

# فلسفه داستایفسکی

سوزان لی اندرسن

ترجمه

خشایار دیهیمی

فرهنگ نشر نو  
با همکاری نشر آسیم  
تهران - ۱۳۹۸

## فلسفه و آثار داستانی

تو به جان مطلب رسیده‌ای؛ با یک تاش قلم اصل مطلب را نشان داده‌ای... ما جان می‌کنیم که با کلمات توضیحش دهیم، اما تو، تو که هنرمندی، با یک نشانه، با یک تاش قلم، در یک تصویر، جان کلام را گفته‌ای، چنان‌که با دست می‌توان لمسش کرد، چنان‌که حتی خواننده فارغ از استدلال هم درجا همه چیز را درمی‌یابد! این راز هنر است! این حقیقت هنر است! این خدمت به حقیقت است!

معدودی از فیلسوفان بزرگ قدیمی — مثلاً افلاطون، هیوم، و بارکلی — در قالب محاوره می‌نوشتند، دو فیلسوف قرن نوزدهمی — فریدریش نیچه و سورن کی‌یرکگور — قالب‌های غیرسنتی دیگری را برای بیان تزه‌های فلسفی‌شان آزمودند<sup>۱</sup>، اما بیشتر فیلسوفان عمدتاً در قالب

۱. حرف‌های بلینسکی به داستایفسکی پس از خواندن رمان بیچارگان. به نقل از:

Fyodor Dostoevsky, *The Diary of a Writer*, excerpt from 1877, translated by Boris Brasol, George Braziller, New York, 1954, p. 587.

۲. علاوه بر محاورات افلاطون بنگرید به:

David Hume, *Dialouges Concerning Natural Religion*